

آسیب شناسی الگوی مسکن آپارتمانی با استناد به آموزه های اسلامی

محمدمنان رئیسی

عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران و عضو قطب علمی معماری اسلامی

raeesi@iust.ac.ir ، ۰۹۱۷۳۰۱۱۵۵۰

چکیده

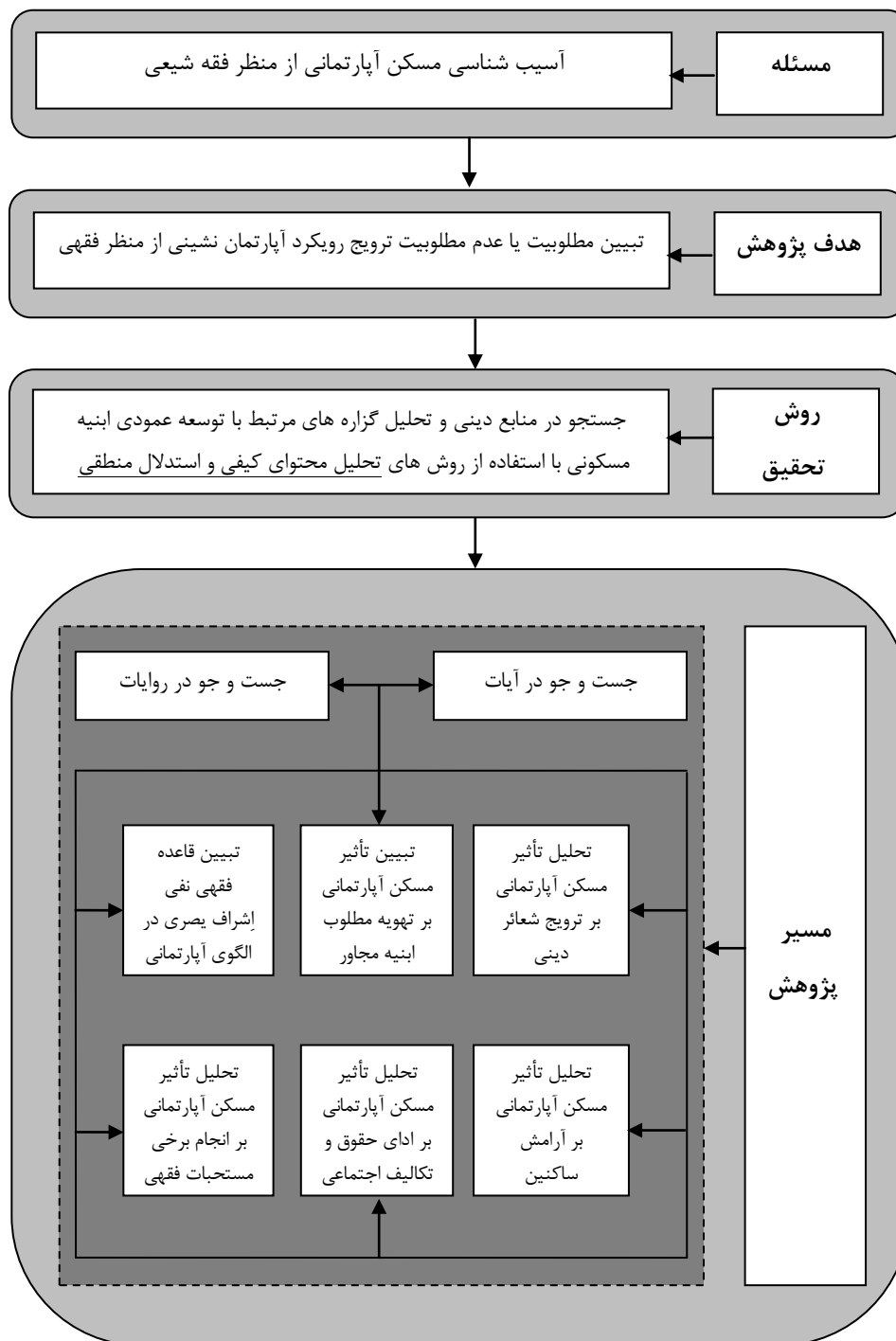
یکی از مسائلی که طی سالهای اخیر، محل بحث فراوان در مجامع دانشگاهی و اجرایی بوده است مسئله «بلند مرتبه سازی» است که تاکنون چالش های نظری و عملی فراوانی پیرامون این مسئله و رویکردهای حاصل از آن شکل گرفته است. اگرچه این مسئله در خصوص تمام ابنیه شهری محل بحث است اما در خصوص ابنیه مسکونی، اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله، مضاعف است. زیرا ترویج رویکرد توسعه عمودی در ابنیه مسکونی معاصر که در قالب آپارتمان های بلند مرتبه نمایان شده است به رغم برخی مزایای نسبی، با بسیاری از وجوه اعتقادی و فرهنگی جاری در کشور ما به عنوان کشوری اسلامی تعارضات و تناقضاتی را ایجاد کرده است که عمده این تناقضات را می توان با استناد به آموزه های اسلامی (به ویژه آموزه های فقه شیعی) آشکار نمود. بر این اساس، مسئله ای که محور این پژوهش را تشکیل می دهد عبارت است از «آسیب شناسی مسکن آپارتمانی از منظر فقه شیعی». در این مقاله برای پرداختن به این مسئله از روشی ترکیبی استفاده شده است؛ به نحوی که در مقام گردآوری داده ها از روش اسنادی و در مقام تحلیل داده ها از روش های تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی استفاده شده است.

طبق یافته های این پژوهش، مسکن آپارتمانی به دلایل متعدد از منظر اسلامی مطلوبیت ندارد که از مهمترین این دلایل می توان به مواردی همچون تقابل با ترویج برخی شعائر دینی، ایجاد مزاحمت ساختمان های بلند در تهویه ابنیه مجاور، تقابل با انجام برخی تکالیف اجتماعی و تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه اشاره نمود.

کلمات کلیدی: آموزه های فقهی، مسکن، آپارتمان، رویکرد توسعه عمودی

۱- مقدمه

برای احداث ابنیه مسکونی، دو الگوی کلی را می توان متصور شد که عبارت است از مسکن ویلایی (که بیشتر



متناسب با توسعه افقی است) و مسکن آپارتمانی (که بیشتر متناسب با توسعه عمودی است). با توجه به رشد قابل توجه جمعیت و بالتبع، تغییر ماهوی ارزش زمین در مناطق شهری، امروزه آپارتمان سازی در مقایسه با ویلا سازی شتاب بسیار بیشتری در شهرها و به ویژه کلان شهرها یافته است. این موضوع در کشور ما به دلیل شرایط خاص اجتماعی فرهنگی، سبب بروز مسائل و مشکلات متعددی شده است که نمونه های بارز آن را می توان در بافت های بی هویت برخی محلات مسکونی معاصر مشاهده نمود. بر این اساس، این پژوهش حول این پرسش مبنایی شکل

نمودار شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: نگارنده

گرفته است که آیا اساساً رویکرد ترویج مسکن آپارتمانی، برپایه آموزه های اسلامی و به طور خاص فقه شیعی، برای کاربری در کشور ما (به عنوان کشوری که پیش قراول ترویج آموزه ها و ارزش های اصیل اسلامی است) رویکردی موجّه است یا خیر؟ جهت پاسخ به این پرسش، در مقام گردآوری داده ها از روش مطالعات اسنادی-کتابخانه ای بهره گیری شده است و با جستجوی موضوعی در متون معتبر دینی (شامل آیات و روایات)، گزاره های مرتبط با پرسش فوق، گزینش شده اند. سپس جهت تحلیل گزاره ها از روشی ترکیبی (مربک از تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی) استفاده شده است تا مدلول فقهی گزاره ها جهت کاربری در دانش معماری استنتاج شود. نمودار شماره ۱، مدل مفهومی این پژوهش را ارائه می نماید.

۲- پیشینه تحقیق

باتوجه به اینکه این پژوهش در حوزه مطالعات مسکن از منظر آموزه های اسلامی است در این بخش به برخی پژوهش های مشابه که با استناد به آیات و روایات، وجوه مختلف ابنیه مسکونی را ژرفکاوی نموده اند اشاره می شود. از مهمترین این آثار می توان به کتاب «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی» تألیف عبدالحمید نقره کار اشاره نمود. ایشان در بخش هایی از این کتاب به مؤلفه های مختلف مسکن نظیر هندسه و آرایه ها و عملکرد و غیره از منظر اسلامی پرداخته است (نقره کار، ۱۳۸۷) اما به طور مشخص به مسئله بلند مرتبه سازی در ابنیه مسکونی ورود نکرده است.

محمد نقی زاده نیز در خصوص مسکن مطلوب اسلامی پژوهش های قابل توجهی انجام داده است. ایشان در مقاله ای با عنوان «مسکن ایرانی، مبانی نظری تا جلوه های عینی در گذشته و حال» به معرفی برخی ویژگی های مسکن در متون اسلامی (نظیر امنیت، آرامش و غیره) و تطبیق آنها بر وضعیت معاصر مسکن ایرانی پرداخته است (نقی زاده، ۱۳۹۲، ۶۷-۴۷) و در فصل نهم یکی دیگر از آثار خود با عنوان «شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات» به موضوع چگونگی تدوین مبانی نظری طراحی مسکن با توجه به آموزه های اسلامی پرداخته است (نقی زاده، ۱۳۸۷). حمزه نژاد و صدریان نیز در پژوهشی با عنوان «اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر» به تبیین اصول طراحی مسکن از منظر متون دینی پرداخته اند و دو دسته اصول سلبی و ایجابی برای این موضوع پیشنهاد کرده اند اما تنها برخی از اصول پیشنهادی ایشان با موضوع این پژوهش (توسعه عمودی مسکن) مرتبط است و اغلب اصول به سایر وجوه و مؤلفه های مسکن پرداخته است (حمزه نژاد و صدریان، ۱۳۹۳، ۷۶-۵۸).

محققان دیگری نظیر هشام مرتضی، سلیم حکیم، وثیق و غیره نیز در داخل و خارج از کشور به اصول مختلف معماری مسکن از منظر اسلامی (حریم و محرمیت، نفی اشراف بصری و غیره) پرداخته اند (وثیق و همکاران،

۱۳۸۸؛ Mortada, ۲۰۰۳; Hakim, ۱۹۸۶). اما هیچ یک از آثار فوق، به طور خاص بر موضوع رویکرد آپارتمان نشینی و تحلیل آن از منظر فقهی ورود جدی نکرده اند و صرفاً اشاراتی به این مهم داشته اند. البته چنانچه مبانی فقهی و آموزه های اسلامی را نادیده بگیریم در خصوص توسعه عمودی در ابنیه مسکونی پژوهش های قابل توجه دیگری نیز انجام شده است. برخی محققان با اشاره به تأثیرات بالقوه این نوع توسعه بر مواردی همچون شرایط زیست محیطی شهر، کیفیت فعالیت های فیزیکی و روانی شهروندان و غیره، سعی در ارائه راهکارهایی نموده اند که از اثرات سوء این نوع توسعه بر شهرها بکاهد (Yeang, ۲۰۰۷, ۴۱۵; Wener et al, ۲۰۰۶, ۱۵۸-۱۵۹). محققان دیگری همچون عزیزی، دانشپور و غیره نیز مقالات و پژوهش های حائز اهمیتی در ارتباط با جوانب مختلف توسعه عمودی ابنیه مسکونی نگاشته اند (عزیزی و محمدنژاد، ۱۳۸۶؛ دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸) اما وجه تمایز این مقاله و در واقع بداعت پژوهش حاضر در این است که هیچ یک از پژوهش های فوق به تحلیل مسائل حاصل از رویکرد آپارتمان نشینی از منظر فقهی ورود نکرده اند که این مقاله سعی دارد به این خلأ در حد وسع خود بپردازد.

۳- بحث و تحلیل

طی این بخش دلایل متعددی ارائه می گردد که اثبات می نماید در شهر اسلامی جهت احداث ابنیه مسکونی، ترویج رویکرد آپارتمان نشینی مطلوبیت فقهی ندارد.

۳-۱- ممانعت از ترویج برخی شعائر دینی

در مکتب اسلام، برخی شعائر دینی وجود دارد که آپارتمان سازی در بافت های مسکونی، با الزامات ترویج آنها در تعارض است. از مهمترین شعائر اسلامی، اذان به عنوان اعلان رسمی وقت نماز است که گرچه در قرآن به طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته است اما طبق نظر بسیاری از مفسران، آیات متعددی از قرآن کریم به طور ضمنی به آن اشاره کرده اند. آیات ۵۷ و ۵۸ سوره مائده از جمله این موارد است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذَا نَادَيْتُمُ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» "ای کسانی که ایمان آورده اید، افرادی که دین و آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند، چه از اهل کتاب باشند و چه از مشرکان و منافقان، هیچ یک از آنان را به عنوان دوست خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید، آن ها هنگامی که شما، مردم را به سوی نماز می خوانید (اذان می گویند) آن را مسخره و بازی می گیرند این به خاطر آن است که آن ها جمعی بی خردند و از درک حقایق به دورند". بسیاری از مفسرین، عبارت «نَادَيْتُمُ إِلَى الصَّلَاةِ» را به اذان تفسیر کرده اند.

آیه نهم سوره جمعه، نمونه دیگری از اشاره به اذان در قرآن کریم است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ** : "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه ندا داده می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید". طبق تفاسیر معتبر، عبارت «نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» در آیه فوق، دلالت بر اذان روز جمعه دارد. زیرا این عبارت به معنای بانگ برآوردن برای نماز است و از آنجا که در اسلام، بانگ و ندایی برای نماز جز اذان وجود ندارد لذا این عبارت بر اذان دلالت می‌نماید. علاوه بر آیات فوق، موارد دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که طبق نظر برخی مفسران، دلالت بر اذان و اهمیت آن دارد و لذا با توجه به اهمیت بسیار زیاد اذان در آموزه های اسلامی، بافت شهری و نظام کالبدی شهر بایستی به نحوی باشد که بانگ این ندای آسمانی، به بهترین و رساترین وجه ممکن به همه شهروندان برسد.

این در حالی است که ساختمان بلند همچون مانعی صوتی از رسیدن صدا به گیرنده (در اینجا از رسیدن صدای اذان به شهروندان) جلوگیری می‌کند. زیرا صدا (در اینجا صدای اذان) در لبه فوقانی این مانع منکسر می‌شود و منطقه سایه صدا ایجاد می‌شود به نحوی که یک مانع صوتی موثر، شدت صدا را تا حداکثر ۲۵ دسی بل می‌تواند کاهش دهد که ارتفاع حایل صوتی - ساختمان - بر این موضوع بسیار تأثیرگذار است (به ازای هر متر اضافه شدن به ارتفاع حایل، مقدار ۱/۵ دسی بل بر اثر کاهندگی مانع افزوده می‌شود). بر این اساس، چنانچه در بافت های مسکونی، الگوی مسکن آپارتمانی جایگزین الگوی مسکن ویلایی شود، بلوک های آپارتمانی همچون حایلی صوتی در مقابل صدای اذان مساجد عمل می‌نمایند و مانع از رسیدن مطلوب بانگ اذان به گوش شهروندان و ساکنین محل می‌شوند که با توجه به اهمیت بسیار اذان و اعلان عمومی وقت نماز در مکتب اسلام، این امر به لحاظ فقهی مطلوبیت ندارد. همچنانکه در بسیاری از محلات مسکونی معاصر در شهرهای بزرگ، صدای اذان در اثر موانع متعدد صوتی (به ویژه آپارتمان ها و ساختمان های بلند مسکونی) به گوش بسیاری از شهروندان نمی‌رسد که عدم مطلوبیت این امر از منظر فقهی، مبرهن است. به ویژه آنکه عدم انتشار مناسب این بانگ آسمانی، بر آگاهی افراد از فرا رسیدن وقت نماز و حضور آنها در مساجد برای اقامه نماز جماعت - که از مؤکدات فقه شیعی است - مؤثر است.

۳-۲- ممانعت آپارتمان از تهویه مطلوب ابنیه مجاور

موضوع ممانعت ساختمان های بلند از تهویه مطلوب و گردش باد در پلاک های مجاور یکی دیگر از ادله ای است که بر اساس آن، عدم مطلوبیت مسکن آپارتمانی استنتاج می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص چنین می‌فرماید: "أُتَدْرُونَ مَا حَقَّ الْجَارُ... و لا تستطل عليه بالبناء فتحجب عنه الريح ألا باذنه": آیا می‌دانید حق همسایه



تصویر شماره ۱: تأثیر آپارتمان های مرتفع بر ممانعت از تداوم مطلوب جریان باد و افزایش آلودگی هوا در بافت های شهری

مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده

چیست؟ ... و ساختمان خود را بالاتر از ساختمان او قرار ندهی که مانع گردش هوا در منزلش بشود، مگر با اجازه او (شهید ثانی، ۱۳۷۵، ۱۰۳). مبرهن است که در وضعیت فعلی، بسیاری از بلوک های آپارتمانی مانع رسیدن جریان مطلوب باد به بلوک های مجاور یا مقابل خود هستند که این امر به وضوح با روایت فوق الذکر در تقابل است. علاوه بر این، ممانعت ساختمان های بلند از تداوم جریان باد در محیطهای شهری سبب می شود میزان انواع آلاینده ها در هوای شهر افزایش یابد و شهروندان از

امکان استنشاق هوای پاک - به ویژه در کلان شهرهای صنعتی - محروم شوند که این نوع محروم کردن شهروندان از هوای پاک (که از حقوق اولیه و بدیهی هر انسان است) محل تأمل جدی از منظر آموزه های فقهی است.

۳-۳- نفی اِشراف به همسایه از طریق بلند ساختن بنا



تصویر شماره ۲: تقابل آشکار الگوی مسکن آپارتمانی با قاعده نفی اِشراف بصری به ابنیه مسکونی مجاور

مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده

در خصوص مسئله اِشراف بصری به منازل مسکونی روایات متعددی نقل شده است که از جمله آنها می توان به این روایت امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) استناد نمود: "نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُطَلِّعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ:" رسول خدا (ص) سرک کشیدن فرد در خانه همسایه اش را نهی نمود (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۳۵).

طبق روایتی دیگر از پیامبر اکرم(ص)، عدم توجه به این مهم، بسترساز ظلمانی شدن روح بنده می باشد: ثَلَاثٌ يُطْفِئْنَ نُورَ الْعَبْدِ مَنْ قَطَعَ وَدَّ أَبِيهِ أَوْ خَضَبَ شَيْبَتَهُ بِسَوَادٍ أَوْ وَضَعَ بَصْرَهُ فِي الْحُجْرَاتِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذَنَ لَهُ: سه چیز است که نور بنده را خاموش می کند... و چشم انداختن در اتاق های دیگران بدون اجازه (ابن اشعث، بی تا، ۱۹۱). باتوجه به روایات فوق، از آنجا که سرک کشیدن به ابنیه مجاور طبق آموزه های فقهی نهی شده است و مسکن آپارتمانی، تناظر آشکاری با این موضوع دارد لذا این نوع الگوی مسکن از منظر فقه شیعی مطلوبیت ندارد.

۴-۳- تعارض با آرامش ساکنین ابنیه مسکونی

طبق آموزه های قرآنی، از مهمترین ویژگی های مسکن مطلوب، تأمین آسایش و آرامش ساکنین است: "وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا": و خداوند برایتان از خانه هایتان محل آرامش قرار داد (نمل/۸۰). با مراجعه به متن برخی روایات، چنین استنباط می شود که از بایسته های تأمین این آرامش، ساتر بودن منزل و وسعت و توسعه افقی آن (در مقابل توسعه عمودی منزل) است زیرا این وسعت و توسعه افقی می تواند شرایط لازم برای ساتر شدن امور شخصی و خصوصی ساکنین را تأمین نماید؛ امام صادق(ع) در این خصوص چنین می فرماید: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيْهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى امْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ بِمَوْتٍ أَوْ بِتَرْوِيجٍ: سه چیز است که در آنها برای مؤمن آسایش (راحتی) است؛ خانه ای وسیع که ساتر امور خصوصی او



تصویر شماره ۳: الگوی مسکن سنتی، ضمن ایجاد امکان تفکیک اندرونی از بیرونی، امکان نورگیری از جبهه درونی منازل و مستور کردن فعالیت های ساکنین منازل از دیگران را میسر می ساخت به نحوی که هیچ بازشویی در بدنه های بیرونی منازل مشاهده نمی شد.

مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده

و نقصان ها و بدی حالش از چشم مردم باشد و ... (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱۵۹). در معماری سنتی ما کاملاً به این مهم توجه می شده است و اغلب خانه ها به نحوی ساخته می شدند که وسعت و توسعه افقی آنها، ضمن ایجاد امکان تفکیک اندرونی از بیرونی، امکان مستور کردن امور خصوصی و شخصی ساکنین خانه از

چشم دیگران را میسر می ساخت (تصویر شماره ۳). لیکن این مهم در الگوی مسکن آپارتمانی رعایت نمی شود و یا به سختی قابل رعایت کردن است به نحوی که اغلب افراد حاضر هستند حتی موارد مهمی همچون بهره مندی از نور مستقیم و طبیعی را فدای نیاز به مستور کردن امور داخلی منزل خود نمایند که دلیل واضح این ادعا این است که اغلب بازشوها و پنجره های منازل آپارتمانی در اغلب ساعات روز با استفاده از انواع پرده های مختلف، پوشیده است تا جلوی دید دیگران و آشکار شدن امور شخصی ساکنین منزل را سد نماید.

۳-۵- انجام برخی تکالیف اجتماعی

از مهمترین تکالیفی که یک فرد مسلمان بر عهده دارد، تکالیف اجتماعی او است که این تکالیف به ویژه در بخش حقوق همسایگان، حائز اهمیتی مضاعف است. رسول اکرم (ص) در روایتی با اشاره به اهمیت بسیار همسایه داری چنین می فرمایند: "به من ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه بماند" ^۱ (ردایی آملی، ۱۳۸۵، ۳۸۵). طبق برخی احادیث، حدود همسایگی در اسلام تا ۴۰ ذراع و در جای دیگر تا ۴۰ منزل روایت شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹۵). با توجه به تکالیف بسیاری که پیرامون همسایه در شریعت وارد شده است چنین به نظر می رسد که اگر این ۴۰ ذراع، علاوه بر حدود افقی، در حدود عمودی نیز منظور شود، انجام این تکالیف برای یک شهروند مسلمان بسیار دشوار و بلکه غیر ممکن است. مثلاً می توان محله ای را مثال زد که در آن، ساختمان های مسکونی تا ۱۰ طبقه ساخته می شوند (وضعیتی که در حال حاضر در برخی محلات کلان شهرهای کشور به ویژه تهران مشاهده می شود). در چنین شرایطی با استناد به روایات فوق الذکر، برای هر خانواده تا ۴۰۰ همسایه متصور می باشد (حاصل ضرب عدد ۴۰ در عدد ۱۰) و بدیهی است که اطلاع و آگاهی و رسیدگی به امور چنین حجم وسیعی از همسایگان، تا چه حد دشوار و طاقت فرسا و بلکه ناممکن می باشد. لذا از آنجا که تمام دستورات اسلام مبتنی بر حکمت است و اسلام امر به تکالیف غیر ممکن نمی نماید پس چنین استنباط می شود که لازمه تحقق این نوع تکالیف که بعضاً آثار فقهی دارند، نفی توسعه عمودی در ابنیه مسکونی است.

۳-۶- تعارض با انجام برخی مستحبات عبادی

لازمه انجام برخی ادعیه و عبادات توصیه شده در مکتب اسلام، ارتباط مؤثر با طبیعت و جلوه های آن به ویژه آسمان و ستارگان است. برای مثال، می توان به استهلال - به معنای مشاهده هلال ماه در شب اول ماه - اشاره نمود که برای این کار، استحباب قابل توجهی ذکر شده است تا جایی که حتی از برخی از معصومین (ع) قرائت دعاهایی در هنگام مشاهده هلال ماه توصیه شده است (نظیر دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه). ضمن آنکه در برخی ایام (نظیر

شب اول ماه های رمضان و شوال) این سنت، اهمیتی مضاعف پیدا می کند و حتی برخی فقها در ایام مذکور، حکم به وجوب این سنت داده اند (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ۲۹۲). اما به رغم اهمیت استهلال در ایام مختلف سال، انجام این کار، نیازمند باز بودن دامنه دید انسان و امکان رویت آسمان و هلال ماه است و لذا، گسترش بی رویه آپارتمان ها در شهر، انجام این سنت برای عموم مردم را با دشواری هایی مواجه می سازد؛ به نحوی که امروزه به دلیل توسعه بی رویه عمودی بافت های مسکونی، امکان رویت هلال ماه در بسیاری از ساعات شب برای بخش قابل توجهی از شهروندان میسر نیست.^۲

مستحبات فقهی دیگری را نیز می توان ذکر نمود که ترویج رویکرد آپارتمان نشینی، به جا آوردن آنها را با صعوبت بسیار مواجه می سازد. برای مثال، در روایات معتبر از امام صادق(ع) نقل شده است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه این دعا قرائت شود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (قمی، ۱۳۷۸، ۳۸). در مفاتیح الجنان از ایشان دعاهای دیگری نیز به هنگام طلوع و غروب خورشید نقل شده است که حتی به فرموده ایشان، اهمیت برخی از این ادعیه به حدی است که در صورت فراموش شدن یا عدم قرائت در وقت خود، لازم است قضای آنها به جا آورده شود (همان). در برخی از آیات قرآن کریم نیز تسبیح و تهلیل خدای متعال در بعضی ساعات شبانه روز توصیه شده است: «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ!» و بر آنچه می گویند صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی (ق/۳۹). روشن است که آیات و ادعیه فوق الذکر، دلالت ضمنی بر لزوم آگاهی از طلوع و غروب خورشید دارند. لیکن در شرایط فعلی به دلیل گسترش عمودی بافتهای مسکونی، در بسیاری از شهرها این آگاهی برای اغلب مردم (به ویژه ساکنان طبقات پایین تر آپارتمانها) با تأخیر حاصل می شود؛ مگر آنکه از ابزارهای یادآوری مانند ساعت بهره ببرند که البته واضح است که این نوع ابزار نیز، تأثیر مشاهده عینی طلوع و غروب را در یادآوری این زمان ها ندارد و با توجه به تغییر مکرر زمان طلوع و غروب در طول سال، تنظیم ساعت و تغییر زمان اعلان آن در هر روز، چندان میسر نمی باشد.

۴- نتیجه گیری

با توجه با دلایل متعددی که طی این پژوهش ارائه گردید مشخص شد که الگوی مسکن آپارتمانی از جوانب مختلف در تعارض با آموزه های اسلامی و به ویژه فقه شیعی قرار دارد و آنچه که در توسعه بافت های مسکونی از منظر اسلامی اصالت دارد، توسعه افقی است که در قالب مسکن ویلایی تجلی می یابد. لازم به ذکر است که دلایل عدم مطلوبیت الگوی مسکن آپارتمانی از منظر فقه شیعی، بسیار بیش از شش دلیلی است که در این مقاله مورد اشاره

قرار گرفت اما پرداختن به همه ادله، در یک مقاله محدود میسر نمی باشد و حداقل، یک کتاب مستقل را می طلبد لیکن سعی شد در این مقاله، آسیب شناسی رویکرد ترویج آپارتمان نشینی با استناد به برخی از مهمترین ادله فقهی مرتبط با این موضوع ارائه شود. طبق تحلیل های ارائه شده در این پژوهش، مهمترین دلیل محدود شدن ارتفاع مسکن در فقه شیعی، تأثیر این متغیر بر محدوده دید انسان است که در مواردی همچون قاعده اشراف، تأمین آرامش ساکنین ابنیه مسکونی، به جا آوردن برخی مستحبات عبادی و غیره تبیین گردید. لذا چنانچه تأثیر ارتفاع ساختمان بر محدوده دید انسان در بستر هر یک از دلیل های ذکر شده، به درستی تبیین شود آنگاه می توان ارتفاع مطلوب ساختمان (ارتفاع متناسب با همان دلیل) را استنتاج نمود.

البته بدیهی است که نباید تصور نمود که نتایج این پژوهش بدون در نظر گرفتن الزامات و آثار مختلف اقتصادی و اجتماعی و غیره می تواند به سهولت به مرحله اجرا برسد زیرا حذف الگوی مسکن آپارتمانی در بافت های مسکونی شهرهای معاصر، نیازمند توسعه افقی بیشتر شهر و یا تأسیس شهرهای جدید است که این امر نیازمند تحلیل های دقیق اقتصادی و اجتماعی و غیره است. اما مسئله این پژوهش، پرداختن به این موارد نبوده است و تدقیق در این موارد، پژوهش های عمیق دیگری را می طلبد. لیکن آنچه بر اساس یافته های این پژوهش استنتاج می شود این است که با توجه به تعارض الگوی مسکن آپارتمانی با بسیاری از آموزه های اسلامی و الزامات فقه شیعی بایستی نسبت به ارائه الگوی جایگزین با لحاظ کردن امکان سنجی اصلاح وضعیت فعلی شهرهای معاصر تلاش نمود.

پی نوشت ها:

-
- ^۱. لیس المؤمن الذی یشبع و جاره جائع الی جنبه
- ^۲. فارغ از موضوع استهلال، سنت نگرستن به آسمان و ستارگان در فقه شیعی، موضوعیت مستقل دارد به نحوی که طبق برخی اسناد، امیرالمؤمنین (ع) بر این کار مداوم داشتند و ضمن انجام این مهم در سحرگاهان به تلاوت این آیات می پرداختند: *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ... رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ* ^۲ (آل عمران/ ۱۹۰ تا ۱۹۴). بدیهی است که لازمه انجام این مهم، باز بودن دامنه دید افراد جهت مشاهده آسمان و ستارگان در دل شب است. اما در شرایط فعلی بسیاری از شهرها (به ویژه کلان شهرها)، به دلیل گسترش آپارتمان سازی و احداث بلوک های مسکونی در طبقات متعدد، بسیاری از شهروندان که در طبقات پایین تر ساکن هستند حتی در زمان قرار گرفتن در آستانه بازشوهای منازل خود، آسمان و ستارگان را در دامنه دید خود ندارند و بالاجبار، از انجام این عمل مستحب محرومند.

فهرست منابع و مآخذ

ابن اشعث، محمد بن محمد، بی تا، الجعفریات، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین

حمزه نژاد، مهدی و زهرا صدریان، ۱۳۹۳، اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر، مجله پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۴، ۷۶-۵۸

دانش پور، سید عبدالهادی و مجتبی مهدوی نیا و محمد مهدی غیائی، ۱۳۸۸، جایگاه دانش روان شناسی محیطی در ساختمان های بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار، مجله علمی پژوهشی هویت شهر، شماره ۵، ۳۸-۲۹

ردایی آملی، حسین، ۱۳۸۵، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، قم: نسیم حیات

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۷۵، مسکن الفؤاد، ترجمه عباس مخبر دزفولی، قم: دفتر انتشارات اسلامی

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، جلد ۵، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام

طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، جلد ۸، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی

عزیزی، محمد مهدی و صارم ملک محمدنژاد، ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع های مسکونی متعارف و بلند مرتبه، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۳۲، ۳۸-۲۷

قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۸، مفاتیح الجنان، تصحیح حسین استاد ولی، قم: انتشارات روحانی

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، ۱۳۷۸، غنایم الایام فی مسایل الحلال و الحرام، ج ۵، قم: مکتب الاعلام الاسلامی

نقره کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران: نشر پیام سیما.

نقی زاده، محمد، ۱۳۸۷، شهر و معماری اسلامی تجلیات و عینیات، اصفهان: نشر مانی

نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲، "مسکن ایرانی، مبانی نظری تا جلوه های عینی در گذشته و حال"، نشریه اندیشه معماری، شماره ۲، ۴۷-۶۷

وثیق، بهزاد و آزاده پشتونی زاده و محمدرضا بمانیان، ۱۳۸۸، مکان و مسکن در اسلام، مجله پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۳، ۱۰۲-۹۳

Hakim, Besim Selim, ۱۹۸۶, Arabic- Islamic Cities: Building and Planning Principles, London: Kegan Paul International.

Mortada, Hisham, ۲۰۰۳, Traditional Islamic principles of built environment, London: Routledge

Wener, Richard&HannahCarmalt, ۲۰۰۶, Environmental psychology and sustainability in high-rise structures, Technology in Society ۲۸; URL: <http://www.elsevier.com/locate/techsoc>

Yeang, Ken, ۲۰۰۷, Designing The Eco-skyscrapers: Premises for Tall Building Design, The Structural Design of Tall and Special Buildings ۱۶; URL:<http://www.interscience.wiley.com>